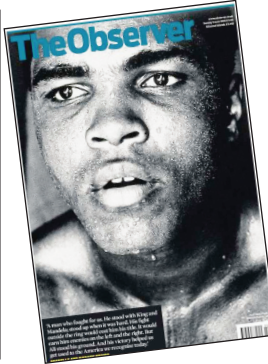


گاردین در استانه ماه رمضان، گزارش مفصلی دربارهٔ مسلمانان انگلیس و شرایط آسناال روزهداری آنها منتشر کرده. براساس این گزارش، مسلمانان بریتانیا طولانی‌ترین مدت روزهداری را می‌گذرانند و احتمالا در پایان ماه رمضان، ۱۰۰ میلیون پوند زکات جمع‌آوری می‌شود. ۲/۸ درصد جمعیت انگلیس مسلمان هستند و همین جمعیت سوزهٔ «گاردین» برای این گزارش بوده‌است.



اکثریت روزنامه‌ها و نشریات انگلیسی زبان، مرگ محمدعلی کلی را سوزهٔ یک خود قرار دادند. تصاویری از کلی صبح دیروز روی کیوسک‌های چنایی چیده شد و اکثریت هم به لقب «برزگ‌ترین» برای تیتز صفحه یک قناعت کردند. در این میان عکس قدیمی از این بوکسور محبوب افسانه‌ای، سیاه و سفید و تمام صفحه روی جلد «آبزور» نشست.



افتتاح سد «سلما» توسط نخست‌وزیر هند و رییس‌جمهور افغانستان، سرتیتر اکثر روزنامه‌های کشور همسایه، افغانستان بود. در میان این نشریات روزنامه «افغانستان» بعد از پوشش خبر افتتاح این «سد»، حضور فرهنگی و اقتصادی هند در افغانستان» را هم پوشش داد. «رسانه‌های همگانی درگیر با مشکلات»، تیتز دیگر این روزنامه بود.



**در حاشیه؛ در متن**
**علی شکوهی**

## تک تازی رسانه ملی در عرصه بی‌رقابت

تغییرات مدیریتی در صدا و سیما فرصتی برای بررسی عملکرد این رسانه سرسری است که مطابق تعریف قانونی، قرار است «ملی» باشد و فرآگیر عمل کند و در حوزه‌های خبررسانی، آموزش و سرگرمی به نیازهای عمومی جامعه ما جواب بدهد. طبعاً هنگام ارزیابی عملکرد هر نهاد و ارگانی می‌توان از چند منظر به سراغ آن رفت. می‌توان عملکردها را با اهداف ترسیم‌شده سنجید و تعیین کرد که به چه میزان آن اهداف آن دستگاه محقق شده‌است. می‌توان وضعیت مطلوب را مورد نظر قرار داد و میزان فاصله وضعیت موجود را با وضعیت مطلوب اندازه گرفت. می‌توان مجموعه عملکرد هر دستگاه را با توجه به امکاناتی که در اختیارش قرار گرفت، مورد ارزیابی قرار داد و معلوم کرد که کامیابی یا ناکامی مدیران آن دستگاه با توجه به مقدار امکاناتی که در اختیارشان بوده، چقدر بوده‌است. در نهایت می‌توان عملکرد هر دستگاهی مانند صدا و سیما را با کارکرد رقبای آن در داخل و خارج کشور مقایسه کرد و دریافت که در مجموع، خوب عمل شده‌است یا خیر.

واقعیت این است که صدا و سیما از جمله نهادهای فرهنگی بود که در سال‌های قبل از انقلاب در اختیار نیروهای انقلابی و مذهبی قرار نداشت و هم در حوزه مدیریتی و هم در حوزه برنامه‌سازی، جایی برای حضور افسراد انقلابی و مذهبی نبود. به همین دلیل کار کردن در آن در سال‌های اول انقلاب برای انقلابیون مذهبی دشوار بود.

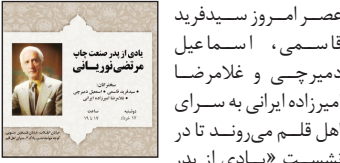
واقعیت این است که صدا و سیما جمهوری اسلامی در مواردی که کامیاب‌است و در بسیاری از موارد ناکام و عمده ناکامی آن را باید در حوزه تحقق اهدافی دانست که برای آن ترسیم شده‌است. صدا و سیما لزوما نتوانسته‌است فرهنگ اسلامی و ایرانی آن‌ها را در درون خانواده‌ها حاکم کند و در الگوسازی و ایرانی‌ها در درون در آن در سال‌های اول انقلاب برای انقلابیون مذهبی دشوار بود. واقعیت این است که صدا و سیما از جهت اهدافی که در نظر گرفته‌است و در بسیاری از موارد ناکام و عمده ناکامی آن را باید در حوزه تحقق اهدافی دانست که برای آن ترسیم شده‌است. صدا و سیما لزوما نتوانسته‌است فرهنگ اسلامی و ایرانی آن‌ها را در درون خانواده‌ها حاکم کند و در الگوسازی فردی و اجتماعی از رقبای خارجی‌اش پیشی بگیرد. همچنین نتوانست عمده‌فرت‌پشت ساخت برنامه در داخل کشور را استخدام و متناسب با تمام سلیقه‌ها به تولید محتوا و برنامه اقدام کند و اعتماد غالب مردم را به خود به عنوان منبع خبری مستقل اعتماد جلب کند و در نهایت تصویر یک رسانه ملی و فرآگیر را در آذهان مردم پدید آورد. دلایل این امر می‌تواند متعدد باشد اما مشخصاً معتقدم که دورویکرد در صدا و سیما نمی‌گذارد این رسانه در کارش موفق شود. نخستین نکته این است که صدا و سیما نیاز به رقیب داخلی دارد.

اکنون با نفستسیری خاص از قانون اساسی که به نظر محل اشکال است، اجازه تاسیس شبکه‌های رادیو و تلویزیونی به بخش خصوصی داده نمی‌شود و همچنان شاهد تک تازی صدا و سیما در یک صحنه بی‌رقیب هستیم. وقتی نهایی فاقد رقیب جدی باشد بودجه آن هم به صورت تضمین شده در اختیارش قرار گیرد و پیشی گرفتن رقیب در کار نباشند، بروز مشکلات جدی در نحوه‌اداره آن نهاد خواهیم بود. در ۲۷ سال گذشته بر حجم نیروی انسانی صدا و سیما به شکل بالورکنی افزوده شده و هر مدیری که وارد شد هزاران نفر را بر کار کنان آن اضافه کرد. در عین حال شاهدیم که گاه یک سایت خبری با ۲۰ خبرنگار بیش از رسانه ملی می‌تواند شتداد عمومی را جلب کند و مرجع خبری نخبگان و اهل تحلیل شود. این وضعیت صدا و سیما را دچار رکود کرده‌درمان نمی‌شود.مگر آنکه قانونی برای صدا و سیمای بخش خصوصی در کشور تعبیه شود تا در حوزه آموزش، خبر و سرگرمی به بخش خصوصی وارد میدان شود و هم خلأتولیدات فرهنگی را پر کند و هم رسانه ملی کنونی را به معنای واقعی کلمه، چابک و کارآمد سازد.

نکته دوم این است که این رسانه قرار بود «ملی» باشد و این یعنی قرار گرفتن در جایگاه یک نهاد حکومتی و فراجنبشی و فرحزبی و پرهیز از گرفتار آمدن در چنبره گرایش سیاسی برخی مدیران که از انحصار موجود در انتشار خبر استفاده و به نفع یک جریان سیاسی و علیه دیگری اقدام می‌کنند.اگر انحصار خبررسانی توسط صدا و سیما بشکند و جلب مخاطب و اعتمادش در بستر رقابتی حاصل شود، قطعاً صدا و سیما کنونی هم بهتر از این و نسبت به خیر و تحلیل رخدادهای شکلی فرآگیرتر عمل خواهد کرد. نگرش کنونی باید اصلاح شود و مدیران جدید این رسانه باید از گذشتگان درس بگیرند و فرآجنبشی عمل کنند. این امر در یک سال آینده که انتخابات ریاست‌جمهوری را در پیش داریم، بیش از گذشته باید مورد توجه باشد زیرا قضاوت اصلی افکار عمومی درباره عملکرد رسانه ملی در همین بستر شکل خواهد گرفت.

**نشست روز**

## یادی از خیر صنعت چاپ



صنعت چاپ» سخنرانی کننده نشست‌ی که برای مرتضی پورویانی و یه یاد او برگزار می‌شود. مرتضی نوربانی با یاد آورد کردن دست‌مخاطب جدید چاپ به ایران و تجهیز چاپخانه‌های مختلف در سراسر کشور و تاسیس مدرسه چاپ و آموزش تکنسین‌های چاپ و بسیاری از فعالیت‌های دیگر موفق شد جان تازه‌ای به صنعت چاپ بدهد. بعد از این فعالیت‌ها، کیفیت چاپ و میزان انتشار کتاب به یکباره تغییر قابل توجهی کرد. این نشست و سخنرانی‌ها ساعت ۱۷ آغاز می‌شود.

**نگاه آخر**
**سیدمحمد بهشتی**

## بیگانگی نگر که من و یار چون دو چشم / همسایه ایم و خانه هم را ندیده‌ایم

روزی در تاکسی نشسته بودم و در میانه راه بودیم که شنیدم آمبولانسی ژپیر کیشان از پشت به من نزدیک می‌شود، راننده تاکسی دستپاچه مسیرش را منحرف کرد که راه را برای آمبولانس باز کند و در همین حین زیرلب گفت «آدم نمی‌داند واقعا مریض بدحال دارد یا نه!». این را که گفت با خود می‌اندیشیدم این پرشش که «آیا باید اعتماد کنم یا نه؟» شاید سوال هر روزه و ای بسا هر ساعت از زندگی ما باشد، آیا باید به قول و فعل لوله کش و بقال و میوه فروش و راننده آمولانس و همسایه و دوست و مدیر دولتی ...و اعتماد کنم یا نه. چه چیزی تضمین می‌کند که ما از اعتمادمان نسبت به دیگران آسیب بینیم؟

اگر ژوپر درست باشد که به جز رعایت حق و فرهنگی بود که در سال‌های قبل از انقلاب در اختیار ما بود، راننده تاکسی عاید راننده تاکسی نکرده‌ است. ولی اگر ژوپر صحیح نباشد البته حقیقت از راننده تاکسی ضایع شده‌است. لذا دستاورد عدم اعتماد گاه خیلی ملموس است، ما به حرف‌هایی اعتماد نمی‌کنیم و جلوی ضایع شدن حق‌مان را بدحال در آن است که هیچ مناسبت و پیوندی از قبیل کتیم چقدر رحمت‌ت نیست. برای همین در بسیاری از موارد راحت‌تریم که بنا را بر بی‌اعتمادی نسبت به ما بگذاریم، اما یک‌بار هم موضوع را از زاویه دید بیمار یا همراه بیمار در آمولانس ببینیم. اگر ژوپر این آمولانس حقیقت داشته باشد یعنی بیماری شلواری که در آن است که شاید حتی چند ثانیه در مرگ یا زندگی او بی‌تاثیر نباشد، کافایت چند لحظه خود را جسای اطرافیناش قرار دهدیم تا حش کنیم چقدر همکاری تک‌تک همشهریان ما و در واقع همین مساله «اعتماد» می‌تواند بر زندگی ما و بر زندگی عزیز ما موثر باشد.

بیمار و اطرافیناش اگر همه عمر را هم بی‌نیاز از اعتماد دیگران گذرانده باشند حتما در این لحظه نیازمند اعتماد آنهاند.

اعتماد نوعی پیوند اجتماعی است؛ جامعه در حالت بیماری به جمعیتی متفرق از افراد فراکاسته می‌شود. افرادی که هیچ مناسبت و پیوندی از قبیل خون، تعلق خاطر، نودعوستی، اعتماد... و آنها را به هم متصل نمی‌کند. به سر بردن در میانه جمعیتی متفرق درست همانند به سر بردن در تاریکی است؛ احساس تهدید و گمگشتی دایمی است و اعتماد کردن بسیار سخت و همانند پرتاب کردن تیری است که احتمال آنکه در تاریکی به هدف بخورد بسیار کم است.

در چنین احوالات اجتماعی افراد معمولاً بحق و خودخواسته پهلای از بی‌اعتمادی در اطراف خود می‌تسند و خود را در آن احساس می‌کنند که کمترین آسیب را از ارتباط با دیگران ببینند. در واقع عطسای اعتماد را به لقای آن می‌بخشند. در حالت تاریکی که هر کس به فکر خویش است، کسی به رسیدن خیر از سوی دیگری امید ندارد، و درصدد است از شر آنان متضرر نشود. در این حالت دم زدن هر فرد از بی‌اعتمادی و هشدار دادن درباره خطراتش ای بسا خوب باشد و افراد دیگر را از خسارت‌های احتمالی اعتماد بی‌جا براند. ولیکن وقتی احوالات اجتماعی رو به پیش‌رفت است، افراد آن دیواره در جمعی بیرون آمدن از پیله تنهایی و دادن دست‌های‌شان به یکدیگرند و دوباره رشته‌های تعلق خاطر و اعتماد بناست آنها را به هم متصل کند.

هر قدر جامعه از حالت جمعیت فاصله می‌گیرد و بیشتر به سمت پیکر واحد شدن پیش می‌رود، افراد بیشتر احساس می‌کنند از تاریکی خارج شده‌اند «پده می‌شوند» و کوچک‌ترین رفتارشان زیر نگاه‌های تیزبین افراد دیگر است و در این حالت رفتارهای مخدوش‌کننده اعتماد هم کمتر رخ است دم زدن از بی‌اعتمادی دیگر جلوی خسارتی را نمی‌گیرد و ای بسا خسارت زنده‌تر باشد.

به سخن دیگر اعتماد مساله‌ای شخصی نیست. ما بسا «اعتماد کردن» میدانسی از اعتماد در اطراف خود ایجاد می‌کنیم و در این حالت جامعه رو به بهبودی در یک قدم به معنای اصلی‌اش که همان پیکره منسجم است سوق می‌دهیم. جامعه رو به بهبود همچون بافت‌هایی از بندهای اعتماد است که حتی دم زدن از بی‌اعتمادی یعنی تلاش برای

گستن این پیوندهای ترد و ظریف.

کسانی که از روی شیطنت یا دلسوزی با رفتارشان در تنور بی‌اعتمادی می‌دمند در واقع مانع خسارت‌گیری پیکره واحد می‌شوند و این بسیار خسارت‌بار است.

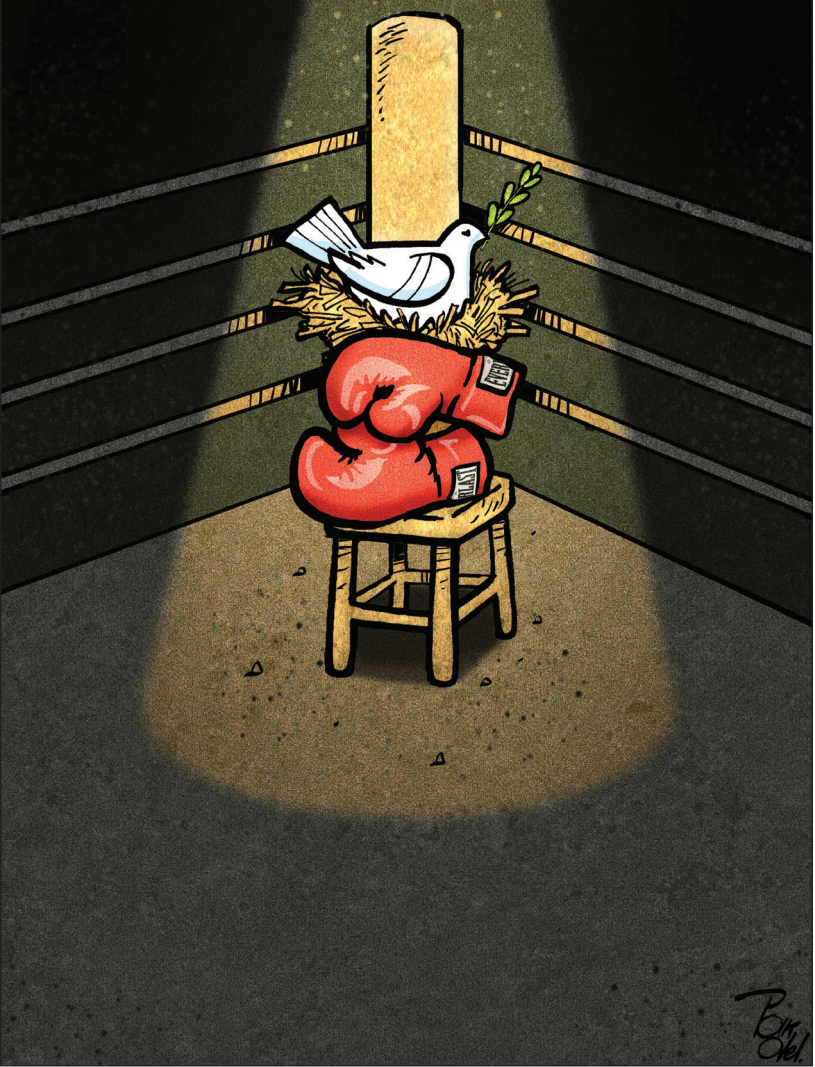
ما با اعتماد نکردن در مقیاس فردی ممکن است خود را از خسارتی رهانده باشیم ولی کمکی به استحکام و قوت سرمایه اعتماد در جامعه نیز نمی‌کنیم و این آفت و خسران بیشتری را در طولانی مدت متوجه خود ما می‌کند.

بی‌اعتمادی نسبت به همسایه در بهترین حالت سبب می‌شود ما از گرند او در امان باشیم در حالی که اگر این بی‌اعتمادی بی‌پایه باشد ما بسیار متضرر شده‌ایم. در این صورت ما خود را از سایه گرم همسایه و از بسیاری موهبت‌های همسایگی محروم کرده‌ایم. اعتماد در یک جامعه‌های مابلی افاضه کردن از بیرون نیست؛ این شعله‌ای است که تک‌تک افراد جامعه در بافر وختن آن و پرستاری کردن از آن سهم دارند و در نهایت همه از خیر آن مستفیض خواهند شد.

اکثریت روزنامه‌ها و نشریات انگلیسی زبان، مرگ محمدعلی کلی را سوزهٔ یک خود قرار دادند. تصاویری از کلی صبح دیروز روی کیوسک‌های چنایی چیده شد و اکثریت هم به لقب «برزگ‌ترین» برای تیتز صفحه یک قناعت کردند. در این میان عکس قدیمی از این بوکسور محبوب افسانه‌ای، سیاه و سفید و تمام صفحه روی جلد «آبزور» نشست.

افتتاح سد «سلما» توسط نخست‌وزیر هند و رییس‌جمهور افغانستان، سرتیتر اکثر روزنامه‌های کشور همسایه، افغانستان بود. در میان این نشریات روزنامه «افغانستان» بعد از پوشش خبر افتتاح این «سد»، حضور فرهنگی و اقتصادی هند در افغانستان» را هم پوشش داد. «رسانه‌های همگانی درگیر با مشکلات»، تیتز دیگر این روزنامه بود.

**تیتز مصور | محمد علی کلی**
**علیرضا پاکدل**



**فلاش‌بک**

کسی که آلزایمر داره ، آخرین چیزی که یادش می‌ره شعر و موسیقیه

**کشف‌هایم کو – کیومرث پوراحمد**

**در همین حوالی**

**قربانعلی مهری متانکالی**

دبیر هیات بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین مجلس

محمد علی کلی، اسطوره تکران‌شدنی

## قانون اساسی برای همه

۱- نام او از میدان ورزشی فرات رفت. فعال مدنی شد. تبعیض نژادی را محکوم کرد. از حقوق سیاهان و رنگین پوستان دفاع کرد. در حضور در جنگی ماجراجویانه و نابرابر علیه مردم ویتنام سر باز زد. جور ناشی از مرزنگی و استواری را با تحمل محرومیت‌ها و ماندن در پشت میله زندان‌ها و کنار زده شدن از میدان رقابت‌ها به جان خرید. نه تنها در ورزش، قهرمان جهان شد بلکه در اخلاق و نوع دوستی، سفیر و پیام آور صلح و پهلوان دوران شد. در عنفوان جوانی و در ۲۲ سالگی آنگاه که در اوج شهرت بود همیشه از او می‌پرسند چرا به اسلام گرویده و نام «محمدعلی»، را بر گزیده با آگاهی و دانایی پاسخ می‌گوید: «نام قبلی من، نام دوران بردگی من بود، اما اکنون مسلمانم و به این نام و عنوان که یادآور آزادی و ارزش آفرینی رادمرد نام آشنا در جهان بشری است به خود می‌نامم.» امروز که در سن ۷۴ سالگی نقاب بر چهره خاک کشید رقیب و رفیق در برخوردار شدن چنان شخصی از چنین مقام و جایگاهی در دنیای پرآشوب کنونی، با بزرگی یاد می‌کنند. در کمتر از ۲۴ ساعتی که از مرگش می‌گذرد و در وصف او فراوان گفته‌اند و شنیده‌ایم، اما، باراک اوباما، رییس‌جمهور دولت آمریکا می‌گوید: «محمد علی جهان را تکان داد و به خاطر او جهان بهتر شد.»

چنین مقام و جایگاهی در دنیای پرآشوب کنونی، با بزرگی یاد می‌کنند. در کمتر از ۲۴ ساعتی که از مرگش می‌گذرد و در وصف او فراوان گفته‌اند و شنیده‌ایم، اما، باراک اوباما، رییس‌جمهور دولت آمریکا می‌گوید: «محمد علی جهان را تکان داد و به خاطر او جهان بهتر شد.» چنین مقام و جایگاهی در دنیای پرآشوب کنونی، با بزرگی یاد می‌کنند. در کمتر از ۲۴ ساعتی که از مرگش می‌گذرد و در وصف او فراوان گفته‌اند و شنیده‌ایم، اما، باراک اوباما، رییس‌جمهور دولت آمریکا می‌گوید: «محمد علی جهان را تکان داد و به خاطر او جهان بهتر شد.»

چنین مقام و جایگاهی در دنیای پرآشوب کنونی، با بزرگی یاد می‌کنند. در کمتر از ۲۴ ساعتی که از مرگش می‌گذرد و در وصف او فراوان گفته‌اند و شنیده‌ایم، اما، باراک اوباما، رییس‌جمهور دولت آمریکا می‌گوید: «محمد علی جهان را تکان داد و به خاطر او جهان بهتر شد.»

زیاد مشاهده شده‌است که در جغرافیای خاصی از گیتی یا ایران، فردی یا افرادی «توانایی»‌های خاصی دارند و در شهر و دیار خود، به عنوان لقبی، شناخته می‌شوند... یکی روپایی زیاد می‌زند و بر فرض مثال از پایین تا بالای برج میلاد در کات خارق‌العاده‌ای انجام می‌دهد، فردی دیگر با داشتن نقص عضو در دست و پا، نقاشی و دوچرخه سواری می‌کند یا ساس می‌نواز د و از این دست اعمال خاص که در جایی و مکانی، به واسطه مشکل یا نقصی، از عمل و کردار، به «چشم» می‌آیند و در رسانه‌های دیداری و شنیداری و نوشتاری، درباره آن، می‌گویند و می‌نویسند، هر چند شاید در برخی موارد هم توجهی بدان نشود و در خیل بزرگ خبرها و نظر‌ها، از نگاه‌ها دور بماند... مراد از این مقدمه کوتاه، نقبی است به مسایقات قرآنی که همه ساله بر گزگرم می‌شود و قاریان ایرانی و خارجی، در آن، شنوندگان را به وجد می‌آورد از این صوت آسمانی شان... امسال پدیده‌ای به همگان معرفی شد که باور این قلم جا دارد بیشتر مورد امان نظر همگانی قرار گیرد؛ همگانی از این جهت که چنین افرادی به حتم در محافل انس با قرآن، برای پیشرفت افرادی که در این مجالس شرکت می‌کنند، شناخته‌شده هستند ولی در عموم و افواه جامعه، هوش و ذکاوت و کاربلدی‌شان، محجور و ناشناخته است... «حناه خلفی» دختر هشت‌ساله‌ای که حافظ کل

## لغت‌شناسی

■ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: **الیاس حضرتی**
■ **جانشین مدیرمسئول و رییس شورای سیاست‌گذاری: بهروز بهادی**
■ **سرمدبیر: جواد دلبری**
■ **معاون اجرایی: حجت طهماسبی**
■ **مشاور مدیرمسئول: محمدحضرتی**
■ **رئیس سازمان آگهی‌ها: علی حضرتی**
■ **نشانی: خیابان ستارخان، خیابان کوثر دوم، بن بست مینو**
■ **تلفن‌خانه: ۶۶۱۲۴۰۲۵ - ۶۶۱۲۴۰۲۴ - ۶۶۱۲۴۰۲۱**
■ **تلفن: ۶۶۱۲۴۰۲۱**
■ **توزیع: نشر گستر امروز**
■ **تلفن: ۶۱۹۲۳۰۰**
■ **چاپ: نشر توانا**
■ **تلفن: ۴۴۵۴۵-۷۶**

■ **آدان ظهر: ۱۳/۰۲**
■ **عروب آفتاب: ۲۰/۱۸**
■ **آدان مغرب: ۲۰/۲۹**
■ **آدان صبح فردا: ۴/۰۲**
■ **طلوع آفتاب فردا: ۵/۴۸**

**کرگدن نامه**

**سید علی میرفتاح**

## سه ماه می خور و نه ماه پارسا می باش

هفته اخم می کردند که قدر یک لحظه لیخندشان را بچه‌ها بیشتر بدانند. قدر عافیت کسی داند که به مصیبتی دچار آید... حالا در دهه نود تلویزیون به همان سیاست سی سال پیشش برگشته و بعد از یک مصاحبه با حاج‌حسن آقای خمینی، ۱۰ مصاحبه با دیگران می‌گذارد که یک وقت ملت فکر نکنند خبری است و دنیا نزدیک است به کام‌شان شود. سه‌ماه می خور و نه‌ماه پارسا می‌باش. یک بار حاج‌حسن آقای خمینی، ۱۰ بار یامین پورو سابر اعظم قوم... اما عیبی ندارد. ملت به همین هم راضی‌اند. هشت سال فقط نامه پارسایی داشتیم و هیچ می‌خوری. نه ماه پارسا می‌بودیم و آن سه ماه هم روش... اما به همین هم قانعیم. همین هم خیلی خوب است. آن شب که تلویزیون ناپرهیزی کرد و با حاج‌حسن آقا مصاحبه کرد اکثر ملت به جای اینکه به تلویزیون نگاه کنند از طریق تلگرام ماجرا را پیگیری می‌کردند. خوستران باشد که سر دلبران... گفته‌اند در حدیث دیگران... انگار که نگاه کردن به تلویزیون بی‌کلاسی باشد یا یک جور عار داشته باشد، انعکاسش را در تلگرام بی می‌گرفتند. یاد یک قصه عارفانه افتادم که یکی داشت به روی چون قمری نگاه می‌کرد و حظ وافی می‌برد. دیگری گفت چه می‌بینی؟ گفت یک ماه را در انعکاس آب می‌بینم. گفت اگر بر گردنت دمل نداشتی سر بلند می‌کردی و مستقیم ماه را می‌دیدى نه انعکاسش را در تشت آب. حالا ما هم یک عیب و ایراد این وسط هست که به جای اینکه مستقیم به تلویزیون نگاه کنیم به تشت تلگرام نگاه می‌کنیم. چرا؟ آیا بر گردن‌مان دمل داریم؟ نه مشکل از ما نیست، به قول خود تلویزیونی‌ها مشکل از فرستنده‌است نه از گیرنده. ما نیستیم که بر گردن دمل داریم بلکه این خود تلویزیون است که دملی بر چهره دارد و آدم رغبت نمی‌کند تماشايش کند. البته ظاهراً دارد تغییراتی به وجود می‌آید، اگر چه در بین‌نگام... خیلی هم عالی. یک فایک می‌گیریم اما نه آنقدر جدی که بنشینیم به پاش... اگر می‌خواهید تلویزیون دیده شود چاره‌اش این نیست که با ۱۰۰ مصاحبه سیرینی یک مصاحبه‌گر ادر کام‌مان تلخ کنید. راهش این است که این دمل را از چهره بردارید تا با خیال راحت بشود نگاه‌تان کرد و لذت برد.

**چهره روز**

پدر علم و ژنتیک در گذشت

## مرگی آرام و بی‌صدا برای مردی بزرگ



مرگ بعضی از آدم‌ها ساکت و بی‌سروصداست؛ مرگ چهره‌هایی که معمولاً مهم و تاثیرگذارند اما چون محدوده فعالیت آنها شامل عناصر تاثیرگذاری خبری نمی‌شود، کسی هم چندان متوجه‌خبر مرگ آنها نمی‌شود و بی‌سروصداست. زین یامردی که یک‌عمر در حرفه خود تاش کرده و نقش مهمی در یک حوزه مهم بازی کرده، تمام می‌شود. درست مثل مرگ پدر علم ژنتیک ایران که همین دیروز بعدازظهر خیرش منقره شد. مردی به نام پرفسور محمدعلی مولوی که پدر علم ژنتیک بود و عصر پنجشنبه به دلیل بیماری سرطان پانکراس در بیمارستان امام‌زاهد کرمانشاه بستری شد و کمی بعد درگذشت. پزشک معالج مولوی روایت کرده: «پرفسور مولوی روز پنجشنبه هفته گذشته با سطح هوشیاری پایین در بیمارستان بستری شد. بعد از انجام آزمایش‌های مختلف مشخص شد که نامرده دچار سرطان پیشرفته پانکراس است که مجبور به عمل جراحی او شدیم اما به علت سن بالا و انتشار سرطان در بدن، فوت کرد.» اما به جز این روایت، روایت دیگری هم از زندگی مولوی وجود دارد؛ روایتی که می‌گوید: محمدعلی مولوی ۹۴ ساله، نخستین شخصی بود که علم ژنتیک را به ایران آورد و برای مدت سه سال این علم را رایگان در ایران تدریس و در مدت فعالیت خود سه مرکز ژنتیک در ایران راه‌اندازی کرد. اما فعالیت‌هایش به اینجا ختم‌نشود و روزگاری دیگر در راه‌اندازی دانشکده توانبخشی و بهزیستی نقش داشت، سه مرکز ژنتیک در ایران راه‌اندازی کرد و در روزگاری که هنوز توجه به علم ژنتیک و مقابله با تولد نوزادان با مشکلات ژنتیک همگانی نشده بود، مشاوره‌های رایگان ژنتیک می‌داد. تمام این فعالیت‌ها و فعالیت‌های دیگر در حوزه ژنتیک باعث شد تا در سال ۸۹ چهره ماندگار ایران شود تا در نهایت به عصر یک‌شنبه خرداد ۹۵ برسیم و خبری که می‌گوید: پدر علم ژنتیک، آرام و بی‌صدا در کرمانشاه در گذشت.

**مزرور**

## ثبات قیمت مواد غذایی در ماه رمضان

■ **خر داد:** رییس اتحادیه فروشندگان لبنیات درباره قیمت مواد لبنی در ماه رمضان گفت: «در خصوص قیمت شیر، کاهش قیمت به دلیل ارایه تخفیف نخواهیم داشت. اما در خصوص برخی مواد همچون ماست و پنیر، تخفیفاتی از سوی برخی کارخانه‌ها به ویژه کارخانه‌های مطرح خواهیم داشت.»

■ **۹ خرداد:** رییس کمیسیون بازرگانی داخلی اتاق بازرگانی ایران معتقد است که برگزاری نمایشگاه‌های مناسبی در استانه ماه رمضان، تعادل بازار را برهم می‌زند و به دلیل آنکه برگزاری این نمایشگاه‌ها باعث ایجاد رانت برای برخی می‌شود، عملاً به نفع مصرف‌کننده نخواهد بود؛ لذا به جای برگزاری چنین نمایشگاه‌هایی بهتر است فروشگاه‌ها فروش فوق‌العاده داشته باشند و کالاهای شان را با تخفیف ویژه عرضه کنند.

■ **وامروز:** نایب‌رییس اتاق اصناف ایران به مردم اطمینان داد که مواد غذایی به میزان کافی در ماه مبارک رمضان وجود دارد و بازار در این ماه با ثبات قیمت‌ها روبرو خواهد بود. همچنین فروش‌های فوق‌العاده و تخفیف پنج تا ۲۰ درصدی اقلام مورد نیاز این ماه از سوی اصناف اعمال می‌شود و گفت: «قیمت برنج، مرغ و لبنیات تغییری نخواهد داشت و وضعیت بازار از ثبات نسبی برخوردار است. علاوه بر این در مورد گوشت قرمز نیز طی هفته جاری تصمیم‌گیری می‌شود؛ هر چند به نظر می‌رسد قیمت این محصول پروتئینی نیز دستخوش تغییر نخواهد بود.»

**عکس‌نوشت**



در تاریخ تهران اگر بگردید کمتر اتفاقی مثل برده برداری از مجسمه فردوسی در میدان فردوسی پیدا می‌کنید. اتفاقی که به تاریخ امروز، ۱۷ خرداد ۹۵، پنجاه و هفت ساله شده و همچنان در روایت‌های قدیمی از جشن باشکوهی که برای برده برداری از این مجسمه برگزار شد، حرف می‌زند و البته از نام ابوالحسن خان صدیقی که مجسمه‌ساز بزرگ این مجسمه است، می‌گویند. این مجسمه با سه متر ارتفاع و تراشیده شده از مرمر، ۵۷ سال سراپا مانده اما کارشناس‌ها از نگرانی درباره سرنوشت آن می‌گویند و اینکه اگر همچنان رسیدگی خاص و ویژه به آن نشود، در آینده نه‌چندان دور باید منتظر فرسودی آن باشیم.